

اثر بازدارندگی در نظریه های کنش وضعیتی و سرکشی و مقایسه آن با نظریه بازدارندگی

آزاده دهقان فر

دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Az.Dehghanfar@iau.ac.ir

امیر پاک نهاد (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Paknahad@iaushiraz.ac.ir

امیر ایروانیان

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Iravanian@iaushiraz.ac.ir

قابل انتشار در شماره شماره ۵۹ (پاییز ۱۴۰۳) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

مروری بر ادبیات جرم‌شناسی در چند دهه اخیر نشان‌دهنده آن است که برخی از مفاهیم پذیرفته شده در جرم‌شناسی با تحولات نظری و مفهومی گسترده‌ای روبرو بوده‌اند. بازدارندگی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در بستر تحول مفاهیم جرم‌شناسی قرار گرفته و پیرامون آن نظریه‌های گوناگونی در جرم‌شناسی شکل گرفته است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای - تحلیلی به بازدارندگی در نظریه کنش وضعیتی و سرکشی و مقایسه آن با نظریه بازدارندگی پرداخت شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که گرچه در نظریه بازدارندگی تمام افراد همواره در حال انتخاب بین گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه بوده و بنابراین در معرض اثر بازدارندگی قرار دارند؛ اما در نظریه کنش وضعیتی تنها افرادی که دارای سطح اخلاقی متوسط هستند از تحلیل هزینه - فایده استفاده کرده و بنابراین در معرض بازدارندگی قرار دارند. در نظریه سرکشی نیز برخلاف نظریه‌های بازدارندگی و کنش وضعیتی، مکانیزم بازدارندگی از طریق شرمساری بر افراد اثر می‌گذارد؛ بنابراین مجازات تنها در صورتی می‌تواند دارای اثر بازدارندگی باشد که فرد در نتیجه واکنش کیفری دچار شرمساری شود. البته در نظریه سرکشی علاوه بر شرمساری، وجود پیوندهای قوی اجتماعی و نیز مشروع دانستن عامل تحمیل‌کننده واکنش کیفری نیز بر بازدارندگی مؤثر است. در پایان می‌توان گفت که نظریه‌های کنش وضعیتی و سرکشی عمومیت اثر بازدارندگی بر تمام افراد را رد کرده‌اند. همچنین در نظریه سرکشی، شرمساری به‌جای تحلیل هزینه - فایده به‌عنوان مبنای تأثیر بازدارندگی معرفی شده است.

کلمات کلیدی: نظریه کنش وضعیتی، نظریه سرکشی، نظریه بازدارندگی، مجازات.

پیرامون اثر مجازات بر جرم نظریات مختلفی شکل گرفته است. در یک طرف نظریه بازدارندگی و در طرف دیگر، نظریه برچسب‌زنی وجود دارد. نظریه بازدارندگی با تأکید بر اثر مجازات بر ارتکاب جرم به این موضوع پرداخته است که مجرمان بالقوه با مشاهده مجازات‌های ناشی از ارتکاب جرم، از انجام رفتار مجرمانه منصرف می‌شوند و در نتیجه مجازات موجب کاهش کل نرخ ارتکاب جرم می‌شود. بر اساس این نظریه هر چه قدر سرعت، قطعیت و شدت مجازات‌ها بیشتر باشد میزان اثرگذاری مجازات بر ارتکاب جرم بیشتر می‌شود. در نظریات بازدارندگی به این موضوع اشاره می‌شود که انسان‌ها بر اساس بیشینه‌کردن منافع خود و به حداقل رساندن هزینه‌ها، با استفاده از قدرت تعقل و بر اساس اصول منطقی برای ارتکاب جرم تصمیم‌گیری می‌کنند. در این نظریه‌ها که بر مجازات‌های رسمی (قانونی) تأکید دارند، به این موضوع اشاره می‌شود که هر چه قطعیت، شدت و سرعت مجازات‌های یک عمل غیرقانونی بیشتر باشد، افراد بیشتری از انجام آن عمل منصرف می‌شوند.^۱ با وجود اینکه نظریه بازدارندگی بر این موضوع تأکید دارد که مجازات می‌تواند نرخ ارتکاب جرایم را کاهش دهد؛ اما همان‌طور که بیان شد درباره این موضوع وحدت نظری وجود ندارد و نظریه‌های گوناگونی درباره اثر بازدارندگی مجازات‌ها مطرح شده‌اند. لازم به ذکر است که گرچه در خصوص بازدارندگی نظریات مختلفی شکل گرفته اما ریشه آن را می‌توان در نظریات کلاسیک جرم جستجو کرد.^۲

در نظریه‌های مختلفی به ابعاد بازدارندگی و نقش آن بر ارتکاب جرم پرداخته شده است. ویکستروم، یکی از نظریه‌پردازانی است که به نقش ادراک بازدارندگی در ارتکاب جرم پرداخته است. وی در نظریه کنش وضعیتی به ابعاد مختلف ادراک بازدارندگی در افراد و چگونگی تعامل این ویژگی با سایر ویژگی‌های فردی و محیطی پرداخته است.^۳ یکی دیگر از نظریاتی که به موضوع اثر مجازات بر ارتکاب جرم پرداخته است، نظریه سرکشی شرم‌ناز است. شرم‌ناز در این نظریه بر بررسی دقیق اثر واکنش کیفی بر ارتکاب جرم پرداخته و به این موضوع اشاره دارد که مجازات می‌تواند موجب کاهش یا افزایش ارتکاب جرم شود و در حالت خاصی نیز مجازات هیچ اثری بر جرم ندارد.^۴

باتوجه به اهمیت بررسی اثر مجازات‌ها بر ارتکاب جرم، در این مقاله ابتدا نظریه بازدارندگی ارائه شده و سپس به بررسی اثر مجازات‌ها از دیدگاه نظریه‌های کنش وضعیتی و سرکشی و مقایسه اثر بازدارندگی جرم در این دو نظریه نسبت به نظریه بازدارندگی پرداخته می‌شود.

¹ Bates, Lyndel, and Levi Anderson. "Young drivers, deterrence theory, and punishment avoidance: a qualitative exploration." *Policing: A Journal of Policy and Practice* 15 (2021): 785.

² Huang, Ru, and Nan Liang. "The influence of familiarity with Information Technology on the effects of deterrence." *Current Psychology* (2022): 2.

³ Wikström, Per-Olof H. "Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes." *Handbook on crime and deviance* (2019): 262.

⁴ Sherman, Lawrence W. "Defiance, deterrence, and irrelevance: A theory of the criminal sanction." *Journal of research in Crime and Delinquency* 30 (1993): 445.

۱. نظریه بازدارندگی

نظریه بازدارندگی از جرم‌شناسی کلاسیک نشئت گرفته شده و یکی از گسترده‌ترین نظریه‌هایی است که در زمینه جرم‌شناسی مدرن مطرح شده است.^۵ این نظریه بیشتر توسط فایده‌گرایان حمایت می‌شود. محققانی مانند هابز، بنتام و بکاریا از جمله متفکرانی هستند که از نظریه بازدارندگی حمایت کرده‌اند. بکاریا و بنتام اولین نظریه‌پردازانی بودند که به سودمندی جرایم اشاره کردند. طبق «اصل حسابگری جزایی»^۶ بنتام، مجرم، زیان احتمالی ناشی از محکومیت را در برابر سود حاصل از ارتکاب جرم قرار داده و در خصوص ارتکاب جرم تصمیم‌گیری می‌کند؛ بنابراین مجازات نیز بایستی به نحوی در نظر گرفته و اجرا شود که منجر به انصراف مجرمان بالقوه از ارتکاب جرایم شود. به عبارت دیگر باید از نظر میزان، قطعیت، حتمیت و سرعت اجرا از درجه بالایی برخوردار باشد.^۷ بکاریا به این موضوع اشاره دارد که برای رسیدن به جامعه‌ای متحد و عاری از هرج‌ومرج بایستی از بازدارندگی استفاده کرد. فرض اصلی وی آن است که انسان‌ها ذاتاً به دنبال به نفع شخصی بوده و بر اساس رویکرد هزینه - فایده عمل می‌کنند؛ بنابراین هزینه‌ها و منافع ناشی از ارتکاب رفتار غیرقانونی در تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر است. اگر هزینه رفتار غیرقانونی بیشتر از منافع آن باشد، افراد به راحتی از ارتکاب چنین رفتارهای غیرقانونی خودداری می‌کنند. برعکس، اگر منافع انجام رفتار مجرمانه بیشتر از هزینه احتمالی آن باشد، افراد مرتکب رفتارهای غیرقانونی می‌شوند.^۸ بنتام نیز با استدلالی مشابه بیان می‌کند که درد و لذت اساس تصمیم‌گیری انسان‌ها را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین هر عملی که فرد انجام دهد برای افزایش شادی خویش است. بر اساس این اصل فایده‌گرایانه، افراد برای ایجاد مزیت یا جلوگیری از درد یا ناراحتی درباره انجام یا عدم انجام عملی تصمیم‌گیری می‌کنند. بر اساس نظر بنتام، ارزش یک لذت یا درد به شدت، مدت، قطعیت و نزدیکی آن بستگی دارد. به طور خلاصه می‌توان گفت بکاریا و بنتام ماهیت انسان را اساساً لذت‌گرا می‌دانستند و معتقد بودند که اگر مجازات به اندازه کافی ناخوشایند باشد، می‌توان از جرم جلوگیری کرد.^۹

دکترین بازدارندگی پیشنهاد شده توسط بکاریا و بنتام برای مدت طولانی در فلسفه حقوق کیفری، در سیاست کیفری و در اجرای مجازات‌های کیفری، جایگاهی مرکزی داشته است. با این حال دهه ۱۹۶۰ با انتشار مقاله بکر را می‌توان نقطه عطف تاریخی برای ارائه مباحث تکمیلی پیرامون بازدارندگی دانست.^{۱۱}

⁵ Stein, Janice Gross, and Ron Levi. "Testing deterrence by denial: Experimental results from criminology." *Studies in Conflict & Terrorism* 46 (2023): 110.

^۶ یعنی هر فرد بنا بر محاسبه خوبی و بدی حاصل از کردار خود، امور خویش را اداره می‌کند.

^۷ علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات درس جرم‌شناسی (جرم‌شناسی تجربی)* (بی‌نا، ۱۳۷۲)، ۱۲۶.

⁸ Taylor, Ian. "The political economy of crime." *Crime, Inequality and the State* (2020): 358.

⁹ Johnson, Ben. *Do Criminal Laws Deter Crime?: Deterrence Theory in Criminal Justice Policy: A Primer* (MN House Research, 2019), 3.

¹⁰ Jacques, Scott. "Bentham, Not Epicurus: The Relevance of Pleasure to Studies of Drug-Involved Pain." *Journal of Drug Issues* 49 (2019): 121.

¹¹ Mendes, Silvia M. "Certainty, severity, and their relative deterrent effects: Questioning the implications of the role of risk in criminal deterrence policy." *Policy Studies Journal* 32 (2004): 59.

بکر در سال ۱۹۶۸ به این موضوع پرداخت که تصمیم به ارتکاب جرم، یک تصمیم منطقی است و بنابراین می‌توان با آن مانند هر تصمیم دیگری که در شرایط عدم اطمینان اتخاذ می‌شود برخورد کرد.^{۱۲} در الگوی بکر، افراد دارای رفتار عقلایی هستند و با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع حاصل از جرم در مورد ارتکاب جرم تصمیم‌گیری می‌کنند. زمانی که فرد در چارچوب الگوی عقلایی رفتار می‌کند، تصمیم‌گیری وی برای ارتکاب جرم در کوتاه‌مدت و درازمدت، با هم سازگارند.^{۱۳} در این الگو افراد به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت خود با در نظر گرفتن محدودیت‌ها هستند. در واقع افراد با توجه به هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم مانند احتمال دستگیری، تابع هدف خود را بیشینه می‌کنند. سپس به مقایسه منافع حاصل از ارتکاب جرم با منافع حاصل از فعالیت‌های قانونی در بازار پرداخته و چنانچه منافع حاصل از ارتکاب جرم بیشتر باشد به ارتکاب جرم روی می‌آورند.^{۱۴}

همان‌طور که بیان شد در نظریه بازدارندگی کلاسیک، بر عناصر مجازات شامل شدت، قطعیت و سرعت اجرای مجازات تأکید می‌شود.^{۱۵} شدت مجازات به میزان و مقدار مجازات‌های اعمال شده برای ارتکاب رفتار غیرقانونی اشاره دارد، در حالی که قطعیت مجازات به احتمال اجرای مجازات اشاره دارد. در واقع، گاهی در متن قوانین کیفری مجازات‌های مشخصی آورده شده است؛ اما به علت ناکارآمدی نظام عدالت کیفری، مجرم یا دستگیر نمی‌شود و یا اینکه اگر دستگیر شود نیز با تخفیف‌های زیادی روبه‌رو می‌شود و مجازات نمی‌شود. البته بایستی توجه داشت که احتمال عینی مجازات لزوماً از قانون‌شکنی جلوگیری نمی‌کند، زیرا آنچه واقعاً مهم است احساس ذهنی خطر مجازات است.^{۱۶} سرعت مجازات نیز به فاصله زمانی بین دستگیری و اعمال مجازات اشاره دارد.^{۱۷}

در این نظریه بر این نکته تأکید می‌شود که اگر مجرم، مجازات نشوند، ارتکاب جرم افزایش یافته و این امر منجر به رواج بی‌قانونی در جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، غایت این نظریه آن است که با استفاده از مجازات و افزایش هزینه‌های ناشی از جرم، نظم عمومی حفظ شود. به بیان دیگر، در این نظریه با استفاده از مجازات مجرم، علاوه بر ایجاد بازدارندگی خاص، بازدارندگی عام نیز به دست می‌آید. برای درک بهتر این موضوع باید به این نکته اشاره کرد که مجرم نه تنها به این دلیل که مرتکب نقض قانون شده مجازات می‌شود؛ بلکه به این منظور بایستی مجازات شود که فرد دیگری در جامعه آن عمل مجرمانه را تکرار نکند. در واقع هدف اصلی نظریه بازدارندگی، ترساندن افراد به‌عنوان مجرم بالقوه و حفظ نظم عمومی است.^{۱۸} لازم به ذکر است که بکر، برخلاف متقدمین نظریه بازدارندگی، بر این نکته تأکید دارد که افزایش احتمال دستگیری نسبت به افزایش مجازات تأثیر بیشتری بر ارتکاب جرم دارد. به نظر وی، جذاب‌تر کردن فعالیت‌های قانونی، مانند افزایش درآمد قانونی، احتمال عدم ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد.^{۱۹}

¹² Becker, Gary S. "Crime and punishment: An economic approach." *Journal of political economy* 76 (1968): 170.

¹³ Jacob, Anupama. "Economic theories of crime and delinquency." *Journal of Human Behavior in the Social Environment* 21 (2011): 270.

¹⁴ Wan, Wai-Yen, Steve Moffatt, Craig Jones, and Don Weatherburn. "Effect of Arrest and Imprisonment on Crime." *Bulletin of Crime and Justice* 1 (2012): 2.

¹⁵ Quackenbush, Stephen L. "Deterrence theory: where do we stand?." *Review of International Studies* 37 (2011): 747.

¹⁶ Ladegaard, Isak. "We know where you are, what you are doing and we will catch you: Testing deterrence theory in digital drug markets." *The British Journal of Criminology* 58 (2018): 417.

¹⁷ Friesen, Lana. "Certainty of punishment versus severity of punishment: An experimental investigation." *Southern Economic Journal* 79 (2012): 405.

¹⁸ Sugarman, David. "Hart interviewed: HLA Hart in conversation with David Sugarman." *Journal of Law and Society* 32 (2005): 269.

¹⁹ Van Doornmaal, Nick, Stijn Ruiters, and Andrew M. Lemieux. "Corruption and the shadow of the future: A generalization of an ABM with repeated interactions." *In Agent-Based Modelling for Criminological Theory Testing and Development* (2020): 168.

۱-۱. انتقادات به نظریه بازدارندگی

دولت‌ها با توجه به اثرگذاری بازدارندگی بر ارتکاب جرایم، به دنبال کنترل جرم با ایجاد یک نظام مبتنی بر مجازات کیفری هستند؛ نظامی که در آن برای بازدارندگی یک فرد از ارتکاب جرم از مجازات‌های متناسب استفاده می‌شود. با این وجود، گرچه به‌طور کلی اصل وجود یک نظام عدالت کیفری مورد پذیرش همگان است؛ اما برخی مطالعات، شواهد تجربی، نتایج متفاوتی را از اثرات این متغیر بر ارتکاب جرم نشان داده‌اند. در تعدادی از مطالعات بر این موضوع تأکید شده که مجازات‌های غیررسمی مانند شرم، اثر بازدارندگی قوی‌تری نسبت به مجازات‌های رسمی دارند.^{۲۰ و ۲۱}

در مطالعات انجام شده به نظریه بازدارندگی، انتقادات مختلفی وارد شده که به نظر می‌رسد بایستی در زمان تدوین سیاست‌های کیفری مدنظر قرار گیرد. یکی از نقدهایی که به نظریه بازدارندگی شده آن است که بسیاری از مجرمان بالقوه، به‌طور کلی از قانون و مفاد آن اطلاع ندارند و در نتیجه نمی‌توانند هزینه‌های جرم را در محاسبات خود لحاظ کنند. نقد دومی که مطرح شده آن است که بسیاری از مجرمان در زمان ارتکاب عمل مجرمانه به سراغ تصمیم‌گیری عقلایی نمی‌روند. نقد سومی که مطرح می‌شود آن است که بازدارندگی در بعضی از جرایم صرفاً سبب جایگزینی می‌شود و تنها مجرمان را از جرمی به جرم دیگر انتقال می‌دهد. دسته دیگری از نقدها نیز به روش‌شناسی استفاده شده در پژوهش‌های بازدارندگی توجه دارند. در این دسته، به مخدوش بودن آمار استفاده شده و نیز مشکل هم‌زمانی^{۲۲} اشاره شده است^{۲۳ و ۲۴}.

۲. نظریه کنش وضعیتی

نظریه کنش وضعیتی در سال ۲۰۰۴ توسط ویکستروم به‌منظور ارائه یک نظریه جامع جرم‌شناسی و ایجاد یکپارچگی نظری در این حوزه ارائه شد.^{۲۵} نظریه کنش وضعیتی زیرمجموعه نظریه‌های یک‌پارچه جرم‌شناسی قرار دارد. این نظریه برای اولین بار در بریتانیا مطرح شد. نظریه کنش وضعیتی در صدد ارائه یک چارچوب نظری برای تحلیل جرم و علل آن است که بتواند مشکلات نظریات جرم‌شناسی را حل کند.^{۲۶}

ویکستروم در نظریه کنش وضعیتی دیدگاه‌های فردگرایانه و محیط‌گرایانه را ادغام کرده است. در فرایند انتخابی که ویکستروم معرفی می‌کند، گرایش به جرم افراد و قرارگرفتن آن‌ها در معرض محیط‌های جرم‌زا به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، ویکستروم ویژگی‌های فردی (گرایش به جرم)، محیطی (در معرض جرم بودن) و تعاملات این دو (تعامل فرد -

²⁰ Garner, Joel H., Christopher D. Maxwell, and Jina Lee. "The specific deterrent effects of criminal sanctions for intimate partner violence: A meta-analysis." *J. Crim. L. & Criminology* 111 (2021): 227.

²¹ Apel, Robert. "Sanctions, perceptions, and crime: Implications for criminal deterrence." *Journal of quantitative criminology* 29 (2013): 67.

²² Simultaneity Problem

²³ Robinson, Paul H. "The role of deterrence in the formulation of criminal law rules: At its worst when doing its best." *Geo. LJ* 91 (2002): 952.

²⁴ Detotto, Claudio, and Manuela Pulina. "Assessing substitution and complementary effects amongst crime typologies." *European journal on criminal policy and research* 19 (2013): 309.

²⁵ Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 62.

²⁶ Wikström, Per-Olof H., and Robert Svensson. "When does self-control matter? The interaction between morality and self-control in crime causation." *European Journal of Criminology* 7 (2010): 396.

محیط) را با هم مدنظر قرار می‌دهد. واکنش‌های فرد به ویژگی‌های جرم‌زای محیط به احتمال زیاد بر اساس تجارب گذشته افراد و گرایش به جرم آن‌ها متفاوت خواهد بود. به نظر ویکستروم محیط و عوامل فردی به‌خودی‌خود قادر به اجبار افراد به ارتکاب جرم نیستند؛ بلکه تعاملات آن‌هاست که می‌تواند افراد را برای ارتکاب به جرم تشویق کند.^{۲۷}

در نظریه کنش وضعیتی، فرد از طریق فرایند ادراک، با محیط خود ارتباط برقرار می‌کند.^{۲۸} به نظر ویکستروم در نتیجه تعامل بین فرد و محیط و در واکنش به یک محرک خاص محیطی، فرد مجموعه‌ای از رفتارهای قابل‌انجام را در ذهن خود تصور می‌کند. چنانچه سطح اخلاقی فرد در سطح متوسط و یا پایین قرار داشته باشد، گزینه انجام عمل مجرمانه در ذهن شکل می‌گیرد.^{۲۹} باین‌حال، نحوه ادراک فرد از گزینه‌های عمل خود به ویژگی‌های مجرمانه و سایر ویژگی‌های یک محیط و همچنین به تجارب قبلی و ویژگی‌های شخصی بستگی دارد. به این صورت که اگر سطح اخلاقی فرد در سطح بسیار پایینی قرار داشته باشد، تنها گزینه‌ای که در ذهن شکل می‌گیرد، انجام عمل مجرمانه است؛ اما اگر فرد از سطح اخلاقی متوسطی برخوردار باشد، گزینه عمل مجرمانه در کنار سایر گزینه‌های غیر مجرمانه قرار می‌گیرد. بر اساس نظریه کنش وضعیتی وجود یک محرک محیطی برای ارتکاب جرم ضروری است. محیط جرم‌زا با میزان فرصت‌های مجرمانه‌ای که فراهم می‌کند سنجیده می‌شود که این فرصت گزینه‌ای برای ارضای نیاز یا خواسته به روشی غیرقانونی را ارائه می‌کند.^{۳۰}

مفهوم دیگر نظریه کنش وضعیتی، فرایند ادراک - انتخاب است. فرایند ادراک - انتخاب که یک فرایند وضعیتی است، گرایش به جرم و قرارگرفتن در معرض جرم را به هم پیوند می‌دهد. این روند تحت‌تأثیر سه عامل وضعیتی تحریک، فیلتر اخلاقی و کنترل‌ها قرار دارد.^{۳۱} نقشی که این عوامل وضعیتی ایفا می‌کنند متفاوت است، اما این عوامل به یکدیگر وابسته هستند. فرایند ادراک - انتخاب، با تحریک در محیط آغاز می‌شود. در پاسخ به این تحریک و بر اساس سطح اخلاقی فرد، مجموعه‌ای از گزینه‌های قابل‌انجام در ذهن فرد تجسم می‌شود. تصور و انتخاب از میان این گزینه‌های عملی به اخلاق شخصی، سطح خویشنداری و کنترل‌های بیرونی مانند ادراک بازدارندگی بستگی دارد.^{۳۲} نکته قابل‌تأمل آن است که اگر فرد از سطح اخلاقی بالایی برخوردار باشد در مجموعه ذهنی وی عمل مجرمانه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین با وجود حضور محرک‌های مجرمانه محیطی، جرم رخ نخواهد داد. البته حتی زمانی که اعمال مجرمانه توسط افراد به‌عنوان گزینه‌های ذهنی درک شوند نیز نتایج باتوجه‌به فرایند انتخاب افراد می‌تواند متفاوت باشد. به بیان دیگر در افراد با سطح اخلاقی متوسط، در کنار گزینه‌های مجرمانه، گزینه‌های غیر مجرمانه نیز تصور می‌شود که چگونگی انتخاب به تعامل ویژگی‌های فردی و محیطی بستگی دارد.^{۳۳} بنابراین در نظریه کنش وضعیتی، افرادی که دارای سطح اخلاقی قوی‌تری هستند و توانایی کنترل خویشنداری را دارند، بدون توجه به محیط، از

²⁷ Wikström, Per-Olof H., Dietrich Oberwittler, Kyle Treiber, and Beth Hardie. *Breaking rules: The social and situational dynamics of young people's urban crime*. (OUP Oxford, 2012), 119.

²⁸ Wikström, Per-Olof H. "Explaining crime and criminal careers: The DEA model of situational action theory." *Journal of Developmental and Life-Course Criminology* 6 (2020): 193.

²⁹ Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 61.

³⁰ Wikström, Per-Olof H. "Why crime happens: A situational action theory." *Analytical sociology* (2014): 76.

³¹ Wikström, Per-Olof H., and Clemens Kroneberg. "Analytic criminology: Mechanisms and methods in the explanation of crime and its causes." *Annual Review of Criminology* 5 (2022): 183.

³² Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 63.

³³ Wikström, Per-Olof H., Kyle Treiber, and Beth Hardie. "Examining the role of the environment in crime causation: Small-area community surveys and space-time budgets." *The SAGE handbook of criminological research methods* (2012): 118.

رفتار مجرمانه خودداری می‌کنند، درحالی‌که افرادی که از نظر اخلاقی ضعیف‌تر و توانایی اعمال کنترل بر نفس خود را ندارند، وقتی در معرض محیط‌های جرم‌زا قرار می‌گیرند با احتمال بیشتری مرتکب جرم می‌شوند.

۲-۱. بازدارندگی در نظریه کنش وضعیتی

در نظریه کنش وضعیتی، سطح اخلاقی فرد در خط مقدم مواجهه با محرک قرار دارد. چنانچه سطح اخلاقی بالا باشد تنها گزینه‌های غیر مجرمانه تصور می‌شود. هم چنین چنانچه سطح اخلاقی فرد پایین باشد، تنها گزینه‌های مجرمانه و چنانچه سطح اخلاقی فرد متوسط باشد، مجموعه‌ای از گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه تصور می‌شود؛ بنابراین سطح اخلاقی فرد می‌تواند منجر به این شود که فرد یک عمل را به صورت خودکار (عادت) یا ارادی انجام دهد.^{۳۴} فرایند عادت انتخاب، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد فقط یک گزینه عملی را تصور کند و به طور خودکار قصد اجرای آن عمل را داشته باشد. اگر شخص فقط یک عمل را به عنوان تنها گزینه در نظر بگیرد، این بدان معناست که وی هیچ عمل احتمالی دیگری را تصور نکرده است. باین‌حال، فرایند انتخاب عقلایی (انتخاب عامدانه)، هنگامی رخ می‌دهد که یک شخص چندین عمل را به عنوان گزینه‌های ممکن درک کند که حداقل شامل یک عمل مجرمانه باشد؛ بنابراین فرایند انتخاب عقلایی تنها در افراد با سطح متوسط اخلاقی اتفاق می‌افتد. نتیجه این فرایند عقلایی، بستگی به این دارد که آیا شخص قصد پیشرفت از مرحله ادراک به عمل را دارد یا خیر.^{۳۵}

در نظریه کنش وضعیتی به این موضوع اشاره شده که افراد دارای اختیار هستند؛ بنابراین، کنش انسانی شامل هر دو عنصر اراده آزاد و قابل‌پیش‌بینی بودن است.^{۳۶} در نظریه کنش وضعیتی، اختیار توسط افراد می‌تواند از طریق عادات یا یک فرایند عقلایی عامدانه متبلور شود. به عبارت دیگر، عمل انسان ممکن است در شرایط خاصی، بیشتر اجباری و کمتر ارادی باشد. اعمالی که از روی عادت انجام می‌شوند، نشان‌دهنده پاسخ خودکار است (انتخابی که بدون هیچ گزینه جایگزین از پیش تعیین شده‌ای انجام شده است)^{۳۷}.

همان‌طور که بیان شد در نظریه کنش وضعیتی باتوجه‌به سطح اخلاقی فرد، دو نوع رفتار عادت و ارادی قابل‌تصور است. در انتخاب‌هایی که در نتیجه فرایند عادت اتفاق می‌افتد، اعمال باتوجه‌به گذشته و تجارب فرد انجام می‌شود، زیرا فرد احتمالاً از تجربیات گذشته خود برای هدایت رفتار بهره می‌گیرد؛ بنابراین، به دلیل عدم وجود اعمال متعدد جایگزین، وقتی فرد به صورت عادت عملی را انجام دهد، هیچ فرصتی برای استفاده از اراده آزاد خود ندارد. از طرف دیگر، اعمال عامدانه و در نتیجه یک فرایند عقلایی به این معنی است که فرد به طور فعال مزایا و معایب چندین گزینه مختلف را ارزیابی می‌کند.^{۳۸} این فرایند می‌تواند شامل سایر افرادی شود که به یک فرد مشاوره داده یا در مورد گزینه‌های عمل تصور شده با وی گفتگو می‌کنند. در این نظریه تأکید می‌شود که علی‌رغم نقش دوستان و سایرین، همچنان این خود فرد است که با انتخاب فعال از بین گزینه‌ها، از اراده آزاد استفاده می‌کند. در نظریه کنش وضعیتی، این انتخاب (کنش در پاسخ به محرک) توسط افراد به‌عنوان بهترین عمل

³⁴ Wikström, Per-Olof H., and Noémie Bouhana. "Analyzing radicalization and terrorism: A situational action theory." *The handbook of the criminology of terrorism* (2016): 181.

³⁵ Wikström, Per-Olof H., Kyle Treiber, and Beth Hardie. "Examining the role of the environment in crime causation: Small-area community surveys and space-time budgets." *The SAGE handbook of criminological research methods* (2012): 114.

³⁶ Wikström, Per-Olof H. "Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes." *Handbook on crime and deviance* (2019): 278.

³⁷ Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 67.

³⁸ Wikström, Per-Olof H. "Explaining crime as moral actions." *Handbook of the Sociology of Morality* (2010): 211-239.

قابل انجام در یک شرایط خاص تلقی می‌شود.³⁹ به بیان دیگر، در نظریه کنش وضعیتی افراد دو مرحله عقلانیت ذهنی و عقلانیت رفتاری دارند. در مرحله اول در ذهن خودشان بهترین واکنش به یک خواسته را انتخاب می‌کنند و در مرحله دوم که مرحله منطقی عمل کردن است آن گزینه که در ذهنشان انتخاب کرده بودند را به صورت رفتار (فعل یا ترک فعل) بروز می‌دهند. در مرحله اول، ویکستروم ادعا می‌کند که کنش انسان در بعضی مواقع با عقلانیت هدایت می‌شود، اما عقلانیت تنها زمانی نقش توضیحی در نظریه کنش وضعیتی بازی می‌کند که افراد به صورت واقعی و آگاهانه در مورد گزینه‌ها تعمق کنند؛ بنابراین رفتارهای عاداتی در این دسته قرار نمی‌گیرند. در رفتارهای ارادی، افراد طی فرایند تصمیم‌گیری عقلایی، گزینه‌های مختلف قابل انجام را بررسی کرده و مواردی را انتخاب می‌کنند که انتظار می‌رود بهترین روش برای پاسخ به محرک محیطی است. در نتیجه اعمال ارادی (عقلایی) معطوف به آینده هستند.⁴⁰

یکی از مفاهیم کلیدی که در نظریه کنش وضعیتی وجود دارد، اثر کنترل‌ها بر رفتار افراد است. هنگامی که شخصی بین اخلاق خود و محرک‌های محیطی احساس تعارض داشته باشد، کنترل‌ها نقش مهمی در تصمیم‌گیری در مورد گزینه‌ها دارد. کنترل‌ها به دودسته داخلی (سطح خویش‌داری) و خارجی (بازدارندگی و اجرای قواعد اخلاقی در محیط) طبقه‌بندی می‌شوند.⁴¹

در نظریه کنش وضعیتی، کنترل‌ها در هنگامی که اعمال مجرمانه می‌تواند به صورت ارادی انجام شود موضوعیت دارد. در نتیجه هنگامی که اعمال مجرمانه به عنوان یکی از گزینه‌ها در کنار سایر گزینه‌ها تصور شوند (افراد دارای سطح اخلاقی متوسط)، کنترل‌ها اهمیت دارند. ویکستروم، کنترل‌ها را سازوکارهایی می‌داند که هدف آنها تأثیر بر رفتارهای انتخابی افراد، پس از انجام مرحله تعقل و در هنگام مواجهه با انگیزه‌های متناقض است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که در این افراد، فرایندهای انتخاب از بین گزینه‌ها تحت تأثیر سازوکارهای کنترلی است.⁴² به نظر ویکستروم، بازدارندگی به عنوان یکی از کنترل‌های بیرونی و محیطی بر انتخاب افراد اثر دارد. بازدارندگی با تأثیر بر افراد با سطح اخلاقی متوسط، سبب می‌شود که جذابیت گزینه رفتار مجرمانه کاهش یابد. به عبارت دیگر، بازدارندگی در نظریه کنش وضعیتی به عنوان یک مانع خارجی عمل کرده و بر انتخاب فرد اثر می‌گذارد. در این نظریه، بازدارندگی شامل احتمال دستگیری و شدت مجازات است. هرچه احتمال دستگیری افراد بیشتر شود و به عبارت دیگر، نظام عدالت کیفری از کارایی بیشتری برخوردار باشد، بازدارندگی افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با افزایش شدت مجازات می‌توان جذابیت ارتکاب جرم را کاهش داد و اثر بازدارندگی را بیشتر کرد.⁴³

به طور خلاصه می‌توان گفت در نظریه کنش وضعیتی، بازدارندگی تنها در حالتی بر ارتکاب جرم اثر دارد که فرد از نظر سطح اخلاقی متوسط باشد. به عبارت دیگر افرادی که دارای سطح اخلاقی بالا هستند و گزینه‌های مجرمانه را در ذهن خود تصور نمی‌کنند و همچنین افرادی که از نظر سطح اخلاقی پایین هستند و فقط به ارتکاب جرم می‌اندیشند، را نمی‌توان از طریق بازدارندگی تحت تأثیر قرارداد. سازوکار اثر بازدارندگی بر افراد با سطح اخلاقی متوسط به این صورت است که فرد مجموعه‌ای از

³⁹ Wikström, Per-Olof H. "Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes." *Handbook on crime and deviance* (2019): 265.

⁴⁰ Wikström, Per-Olof H., and Robert Svensson. "When does self-control matter? The interaction between morality and self-control in crime causation." *European Journal of Criminology* 7 (2010): 408.

⁴¹ Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 74.

⁴² Wikström, Per-Olof H., and Clemens Kroneberg. "Analytic criminology: Mechanisms and methods in the explanation of crime and its causes." *Annual Review of Criminology* 5 (2022): 181.

⁴³ Wikström, Per-Olof H., and Noémie Bouhana. "Analyzing radicalization and terrorism: A situational action theory." *The handbook of the criminology of terrorism* (2016): 181.

گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه را تصور می‌کند. بازدارندگی سبب می‌شود که جذابیت گزینه‌های مجرمانه کمتر شود و در نتیجه بر اساس منطق هزینه فایده، گزینه غیر مجرمانه انتخاب شود.^{۴۴}

۳. نظریه سرکشی

نظریه سرکشی توسط شرم (۱۹۹۳) ارائه شد. شرم با بیان برخی از ضعف‌های نظریه برچسب‌زنی و با ادغام نظریه شرمساری بازپذیرکننده بریث و ویت (۱۹۸۹)، نظریه عدالت رویه‌ای تایلر (۱۹۹۰) و همچنین شرم و خشم شف و رتزینگر (۱۹۹۱)، نظریه سرکشی را مطرح کرده است. نظریه شرمساری بازپذیرکننده بریث و ویت (۱۹۸۹) به این نکته اشاره دارد که به‌جای نگاه تک‌بعدی نظریه برچسب‌زنی، بایستی شرم را از دو نگاه مورد بررسی قرارداد. اولین نوع شرم، انگ زدن است که مشابه نظریه برچسب‌زنی است. این شکل از شرم باعث ایجاد حس طردشدگی افراد از جامعه می‌شود. بریث ویت نوع دیگری از شرم را به نام شرم بازپذیرکننده مطرح می‌کند که مجرم مجازات می‌شود؛ اما در نتیجه آن، فرد از جامعه طرد نمی‌شود. با حفظ ارتباط فرد با جامعه، احتمال تکرار جرم در وی کمتر می‌شود؛ بنابراین، در نظریه بریث ویت، شرمساری بسته به اینکه باعث انگ زدن یا بازپذیرکنندگی شود می‌تواند موجب بازدارندگی یا تشویق به ارتکاب جرم در افراد شود. در نظریه شف و رتزینگر (۱۹۹۱) همکاری در فعالیت‌های اجتماعی، مبتنی بر همسویی است؛ اما تعارض و به‌طور ویژه درگیری‌های خشونت‌آمیز، به علت بیگانگی و شرم ناشناخته بوده و به‌عبارت‌دیگر تعارض ریشه در احساس جدایی و عدم ایجاد احساس شرم دارد. در نظریه تایلر (۱۹۹۰) نیز چرایی پیروی افراد از قانون مطرح شده است. تایلر به این موضوع اشاره دارد که افراد به پیروی از عدالت رویه‌ای و مشروع دانستن قانون از آن تبعیت می‌کنند و این مشروعیت نیز ناشی از انصاف و احترام بوده و لزوماً به علت ترس از مجازات نیست. شرم در نظریه خود از سه نظریه فوق استفاده کرده و نظریه سرکشی را مطرح کرده است.^{۴۵}

نظریه سرکشی، پیرامون واکنش کیفری و چگونگی ارتباط آن با ارتکاب جرائم شکل گرفته است. در نظریه سرکشی که ذیل نظریات کنترل اجتماعی قرار می‌گیرد، منظور از واکنش کیفری مجازات‌ها و سایر اقدامات معمول در فرایند رسیدگی کیفری است. شرم در نظریه سرکشی به این موضوع اشاره دارد که سؤال درباره اثر واکنش کیفری بر ارتکاب جرم یک پرسش اشتباه است. به نظر وی سؤال صحیح آن است که در چه شرایطی واکنش کیفری موجب کاهش و در چه مواردی موجب افزایش ارتکاب جرائم می‌شود. شرم برای پاسخ به این سؤال چهار معیار مشروعیت، پیوند اجتماعی، شرمساری و عزت‌نفس را مطرح می‌کند. به نظر وی مهم‌ترین معیار مشروعیت است به این معنی که مجرم تا چه میزان برای متولی تحمیل واکنش و مجازات، مشروعیت قائل است. شرم با بیان دومین معیار با عنوان پیوند اجتماعی، به رابطه فرد بزهکار با عامل تحمیل‌کننده واکنش و جامعه می‌پردازد. شرمساری سومین معیار است که شرم به آن اشاره کرده است. وی بیان می‌کند که احساس شرم باتوجه‌به پیوند اجتماعی بزهکار نسبت به عامل واکنش یا جامعه در مجرم ایجاد می‌شود. چهارمین عامل نیز عزت‌نفس و غرور بزهکار است. شرم توضیح می‌دهد که واکنش کیفری نسبت به فرد در صورت ارتکاب جرم، ممکن است موجب همبستگی با جامعه و یا موجب انزوا نسبت به جامعه شود.^{۴۶}

⁴⁴ Wikström, Per-Olof H. "Explaining crime and criminal careers: The DEA model of situational action theory." *Journal of Developmental and Life-Course Criminology* 6 (2020): 197.

⁴⁵ Brame, Robert, and Ray Paternoster. "Defiance theory." *The Encyclopedia of Theoretical Criminology* (2014): 1-3.

⁴⁶ Pesta, Racheal. "School punishment, deterrence, and race: A partial test of defiance theory." *Crime & Delinquency* 68 (2022): 467.

شرمن بیان می‌کند که افراد در صورتی سرکشی می‌کنند که شرم وارد شده را رد کرده و قوانین و واکنش‌های کیفری را ناعادلانه بدانند. شرمن به وجود تفاوت در تأثیرات مجازات‌ها می‌پردازد و سه واکنش بالقوه به یک مجازات را توصیف می‌کند: دارای اثر بازدارنده از جرم، تقویت‌کننده جرم (سرکشی) و بی‌تأثیر بر جرم. در حالت اول وجود واکنش کیفری و مجازات موجب می‌شود که افراد از ارتکاب جرائم آتی خودداری کرده یا میزان آن را کاهش دهند. این حالت در زمانی اتفاق می‌افتد که مجرم با افراد متولی تحمیل واکنش و جامعه دارای پیوندهای عمیقی باشد و در نتیجه مجازات را مشروع دانسته، احساس شرم در ایشان ایجاد شده و نسبت به جامعه دارای احساس عزت‌نفس و همبستگی بیشتر شود. شرمن توضیح می‌دهد که سرکشی تحت شرایط خاصی ظاهر می‌شوند. به طور خاص، زمانی که مجرم پیوند ضعیفی با جامعه و متولی واکنش کیفری داشته باشد، شرم ارتکاب جرم را نپذیرد، توسط جامعه انگ زده شود و احساس کند که شرمی که او با آن روبرو شده است ناعادلانه است، سرکشی می‌کند. لازم به ذکر است برای اینکه مجازات غیرمنصفانه تلقی شود، شرمن دو شرط را مطرح می‌کند: عامل مجازات‌کننده با بی‌احترامی رفتار کند و مجازات به صورت خودسرانه، تبعیض‌آمیز، بیش از حد و ناعادلانه باشد. در چنین حالتی، مجرم احتمالاً نسبت به مجازات سرکشی کرده و در نتیجه، مجازات مانع از تکرار جرم نمی‌شود، بلکه آن را افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که حتی زمانی که مجازات ناعادلانه یا تبعیض‌آمیز تلقی شود، سرکشی را می‌توان با پیوندهای اجتماعی قوی و مؤثر کاهش داد. حالت سوم نیز وضعیتی است که فرایند احساس شرم و پیوند اجتماعی مجرم با متولی واکنش کیفری به صورتی است که اثر مثبت یا منفی واکنش کیفری بر جرم از بین رود.⁴⁷

به نظر شرمن، سرکشی ناشی از غرور جریحه‌دار شده است که منجر به تکرار و تشدید جرم می‌شود. سرکشی با اجتماع چهار عامل ایجاد می‌شود. عامل اول غیرمنصفانه تلقی شدن واکنش کیفری است. این عامل سبب می‌شود واکنش کیفری دارای اثر بازدارندگی شده یا منجر به سرکشی شود. به بیان دیگر، برداشت فرد از منصفانه و مشروع بودن واکنش کیفری و متولی تحمیل آن نقش مهمی در سرکشی دارد. نکته قابل‌ذکر آن است که آنچه مهم است تفسیر ذهنی فرد از وقایع است. به بیان دیگر، ممکن است واکنش، واقعاً نسبت به فرد غیرعادلانه صورت نگرفته باشد اما برداشت وی مبتنی بر بی‌احترامی و ناعادلانه بودن باشد. شرمن نوعی از بی‌عدالتی را با نام بی‌انصافی اساسی تعریف می‌کند که در آن، فرد بدون اینکه رفتار واقعی مجرمانه‌ای انجام داده باشد صرفاً به علت اینکه نگاه انتقادی به ساختار قدرت حاکم بر جامعه دارد مورد برخورد کیفری قرار می‌گیرد. عامل دوم سستی پیوند اجتماعی فرد با جامعه است. در نظریه سرکشی، پیوند اجتماعی و کیفیت ارتباط فرد با جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری سرکشی دارد. بر اساس این نظریه، چنانچه پیوندهای اجتماعی قوی باشد حتی در صورتی که واکنش‌ها و مجازات‌های غیرمنصفانه‌ای بر فرد تحمیل شود عکس‌العمل فرد منفی نمی‌شود؛ اما اگر کیفیت پیوند اجتماعی فرد با جامعه ضعیف باشد احتمال بیشتری دارد که در صورت تحمیل واکنش کیفری شرمساری ایجاد نشود و فرد با عصبانیت و غرور سرکشی کند. عامل سوم انگ زدن است. در صورتی که فرد مجازات و واکنش کیفری را به صورت یک انگ تلقی کند این برداشت منجر به طردشدن فرد از جامعه می‌شود و زمینه سرکشی را فراهم می‌کند. عامل چهارم انکار شرمساری است. به نظر شرمن مهم‌ترین مسئله ایجاد سرکشی، امتناع از پذیرش شرم است. بر اساس این نظریه چنانچه شرمساری اجتماعی در فرد ایجاد نشود کارکرد بازدارندگی واکنش کیفری از بین می‌رود؛ بنابراین در صورتی که فرد از پذیرش نتایج رفتار خود خودداری کرده

⁴⁷ Sherman, Lawrence W. "Defiance, compliance and consilience: A general theory of criminology." *The SAGE handbook of criminological theory* (2010): 369.

یا شرمساری را رد نماید ممکن است واکنش مجرمانه‌ای از خود نشان دهد. به نظر شرمن چنانچه خشم و برانگیختگی بر ضعف و ناتوانی فرد مستولی گردد یا فرد در متولی واکنش کیفری ضعف یا تردید مشاهده کند، شرمساری مورد انکار قرار می‌گیرد^{۴۸}.

شرمن در نظریه سرکشی به این موضوع می‌پردازد که اگر فرد واکنش‌های کیفری و مجازات‌ها را غیرمنصفانه تلقی کند، با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر کیفیت پیوند اجتماعی فرد با جامعه و نیز پذیرش یا عدم‌پذیرش شرمساری ممکن است فرد به سه حالت مختلف عکس‌العمل نشان دهد. در حالت اول اگر پیوند فرد با جامعه ضعیف باشد؛ اما شرمساری را بپذیرد، واکنش کیفری بی‌تأثیر و یا احتمالاً بازدارنده خواهد بود. در حالت دوم اگر پیوند فرد با جامعه ضعیف باشد و شرمساری را نیز انکار نماید، واکنش وی با خشم و عصبانیت خواهد بود. این شرمساری مورد انکار موجب شکل‌گیری غرور جریحه‌دار شده و خشم فرد در برابر واکنش کیفری می‌شود که خود منجر به تکرار رفتار مجرمانه و افزایش جرم در آینده می‌شود. در چنین وضعیتی مجرم، بزه‌دیده را به‌عنوان به‌جای حکومت و متولیان تحمیل واکنش کیفری جایگزین کرده و نسبت به آنها مرتکب جرم می‌شود. در حالت سوم پیوند اجتماعی بین فرد با جامعه قوی بوده و در عین حال فرد واکنش کیفری را نیز غیرمنصفانه دانسته و شرمساری به‌صورت کامل شکل نمی‌گیرد. گرچه در این حالت برداشت غیرمنصفانه بودن واکنش کیفری اثر بازدارندگی را کم می‌کند؛ اما با این وجود حتی اگر فرد شرمساری خود را نیز انکار نماید، چون ارزش پیوند اجتماعی با جامعه برای وی بیشتر از سرکشی است، سرکشی غرور‌آمیز شکل نمی‌گیرد^{۴۹}.

در نظریه سرکشی دو مفهوم سرکشی خاص و عام وجود دارد. سرکشی خاص به وضعیتی گفته می‌شود که مجرم متحمل واکنش کیفری شده و در نتیجه سرکشی، در آینده مرتکب جرم شود. سرکشی عام نیز به وضعیتی اشاره دارد که افراد جامعه با مشاهده تحمیل واکنش کیفری بر فرد مجرم دچار سرکشی شده و نرخ ارتکاب جرم در آنها افزایش یابد. علاوه بر این می‌توان سرکشی را به دودسته سرکشی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. اگر واکنش فرد مستقیماً نسبت به عامل تحمیل‌کننده واکنش کیفری باشد آن را سرکشی مستقیم و اگر واکنش فرد نسبت به سایر افراد باشد آن را سرکشی غیرمستقیم می‌گویند؛ بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت در نظریه سرکشی چهار نوع سرکشی شامل سرکشی خاص مستقیم، سرکشی خاص غیرمستقیم، سرکشی عام مستقیم و سرکشی عام غیرمستقیم وجود دارد^{۵۰}.

۳-۱. بازدارندگی در نظریه سرکشی

نظریه سرکشی شرمن را می‌توان به‌عنوان یک نظریه در میان نظریه‌های بازدارندگی و برچسب‌زنی دانست. در واقع اگر بر اساس نظریه بازدارندگی، مجازات‌ها همواره بر رفتار مجرمانه اثر داشته و موجب کاهش ارتکاب جرم می‌شود و بر اساس نظریه برچسب‌زنی نیز تحمیل مجازات به دلیل انگ زدن بر مجرم موجب طرد وی از اجتماع و در نتیجه افزایش ارتکاب جرم می‌شود؛ اما در نظریه کنش وضعیتی بازدارندگی یا سرکشی مجازات‌ها به شرایط مختلفی بستگی دارد و به‌طور کلی نمی‌توان گفت

⁴⁸ Klein, Jennifer L., Danielle Tolson, and Cathy Collins. "Lamenting the list: A partial test of Sherman's defiance theory as applied to female sex offenders." *Contemporary Justice Review* 17 (2014): 329.

⁴⁹ Brownfield, David. "A defiance theory of sanctions and gang membership." *Journal of Gang Research* 13 (2005): 33.

^{۵۰} امیر پاک نهاد، *دانشنامه جرم‌شناسی نظری* (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰)، ۴۲۰.

مجازات‌ها اثر مثبت یا منفی بر ارتکاب جرایم دارد. به عبارت دیگر در نظریه سرکشی، مشروعیت مجازات و عامل تحمیل‌کننده آن، پیوند اجتماعی فرد با جامعه، نوع ایجاد شرم عواملی هستند که بازدارندگی یا سرکشی را مشخص می‌کنند.^{۵۱}

به نظر شرم، بازدارندگی مجازات‌ها در صورتی اتفاق می‌افتد که احساس شرم در وی ایجاد شود و مجازات‌های وارد شده را عادلانه بداند. به عبارت دیگر احساس شرم نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد بازدارندگی دارد. احساس شرم با ارزیابی فرد از خویشتن نسبت به مسئولیت‌های فردی در قبال هنجارهای اجتماعی مرتبط است. احساس شرم به‌عنوان یک ارزیابی منفی از خویشتن تعریف می‌شود.^{۵۲} این احساس در صورتی ایجاد می‌شود که فرد احساس کند که مرتکب عملی خلاف با هنجارهای اجتماعی شود.^{۵۳} احساس شرم موجب می‌شود فرد در مقابل سایر افراد جامعه احساس شرمندگی کند؛ بنابراین با توجه به اینکه احساس شرم موجب ایجاد حس منفی در افراد می‌شود، افراد به دنبال انجام اموری هستند که از ایجاد احساس شرم در آنها جلوگیری کند، در نتیجه شرم به‌عنوان یک تنظیم‌کننده رفتار، بر افراد اثر دارد.^{۵۴} نکته قابل‌ذکر آن است که احساس شرم، ریشه در کودکی افراد دارد. اجتماعی شدن اولیه که شامل دوران نوزادی، کودکی و تا اوایل نوجوانی است، شخصیت و هویت اصلی افراد را شکل می‌دهد. در این مرحله، خانواده نقش مهمی در رشد و تکوین احساس شرم در افراد دارد.^{۵۵} علاوه بر این، اجتماعی شدن ثانویه نیز از طریق مدرسه و گروه همسالان سبب می‌شود که این احساس در فرد تثبیت یا تعدیل شود.^{۵۶} پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که در مرحله اول اجتماعی شدن، افرادی که حمایت قوی والدین را دریافت و تحت روش‌های محبت‌محور والدین قرار داشته‌اند، دارای هنجارهای درونی‌تری هستند. این افراد زمانی که قوانین را زیر پا بگذارند نسبت به سایرین احساس شرم بیشتری خواهند داشت.^{۵۷} مرحله دوم اجتماعی شدن نیز می‌تواند بر درونی‌سازی هنجارها اثر بگذارد. دانش‌آموزانی که به مدرسه دلبسته یا متعهد هستند، بیشتر پذیرای پیام‌های معلمان هستند. معمولاً پیام‌های معلمان با قوانین و قواعد هنجاری اجتماع مطابقت بیشتری دارد.^{۵۸} همچنین تعامل با همسالان نیز می‌تواند سبب تقویت یا تضعیف فرایند درونی‌سازی هنجارها در مرحله ثانویه اجتماعی شدن شود. همسالان منحرف نیز می‌توانند روند درونی‌سازی احساس شرم را مختل کنند.^{۵۹}

به‌طور کلی، تکمیل صحیح فرایند اجتماعی شدن باعث درونی شدن هنجارها در افراد می‌شود و احساس شرم را به نحو صحیح در افراد ایجاد می‌کند. این درونی شدن صحیح، باعث می‌شود که سازوکار هدایت رفتار به‌وسیله احساس شرم به‌درستی عمل کرده و از ارتکاب رفتار مجرمانه پیشگیری کند.^{۶۰} از طرف دیگر، در صورتی که روند اجتماعی شدن به‌خوبی تکمیل نشود و

⁵¹ Sherman, Lawrence W. "Defiance theory." *Criminological Theory: Past to Present: Essential Readings* (2003): 287.

⁵² Broekhof, Evelien, Marieke GN Bos, and Carolien Rieffe. "The roles of shame and guilt in the development of aggression in adolescents with and without hearing loss." *Research on child and adolescent psychopathology* 49 (2021): 893.

⁵³ Hillebrandt, Annika, and Laurie J. Barclay. "How cheating undermines the perceived value of justice in the workplace: The mediating effect of shame." *Journal of Applied Psychology* 105 (2020): 1164–1180.

⁵⁴ Daniels, Michael A., and Sandra L. Robinson. "The shame of it all: A review of shame in organizational life." *Journal of Management* 45 (2019): 2449.

⁵⁵ Sheikh, Sana, and Ronnie Janoff-Bulman. "The "shoulds" and "should nots" of moral emotions: A self-regulatory perspective on shame and guilt." *Personality and Social Psychology Bulletin* 36, no. 2 (2010): 216.

⁵⁶ Gecas, Viktor. "Contexts of socialization." (In *Social psychology*, Routledge, 2017), 166.

⁵⁷ Grusec, Joan E. "Socialization processes in the family: Social and emotional development." *Annual review of psychology* 62 (2011): 245.

⁵⁸ Maddox, Samuel J., and Ronald J. Prinz. "School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables." *Clinical child and family psychology review* 6 (2003): 31-49.

⁵⁹ Megens, Kim CIM, and Frank M. Weerman. "The social transmission of delinquency: Effects of peer attitudes and behavior revisited." *Journal of Research in Crime and Delinquency* 49 (2012): 423.

⁶⁰ Harris, Nathan. "Shame, ethical identity and conformity: Lessons from research on the psychology of social influence." (In *Emotions, crime and justice*. Hart Publishing, 2011), 15.

درونی‌سازی هنجارها صورت نگیرد، سازوکار احساس شرم در هنگام ارتکاب جرم به‌خوبی عمل‌نکرده و فرد مانع درونی برای انجام رفتار مجرمانه ندارد.^{۶۱}

بر اساس نظریه سرکشی، مجازات‌ها ممکن است موجب بازدارندگی یا سرکشی شده و یا بر ارتکاب جرم بی‌تأثیر باشند. بازدارندگی از طریق سازوکار شرمساری و پیوند اجتماعی فرد با جامعه بر ارتکاب جرم اثر می‌گذارد؛ بنابراین اگر افراد شرم وارد شده را رد کنند و مجازات‌های تحمیل شده را ناعادلانه بدانند، دچار سرکشی می‌شوند. البته همان‌طور که بیان شد سرکشی ناشی از غرور جریحه‌دار شده است که منجر به تکرار و تشدید جرم می‌شود. در واقع تنها در حالتی که سرکشی غرورآمیز ایجاد شود، مجازات نه‌تنها موجب کاهش جرم نمی‌شود؛ بلکه سبب افزایش ارتکاب جرم می‌شود. به‌طور کلی در نظریه سرکشی شرمساری نقش محوری در ایجاد بازدارندگی ایفا می‌کند؛ بنابراین به نظر شرم‌ن چنانچه شرمساری اجتماعی در فرد ایجاد نشود کارکرد بازدارندگی مجازات‌ها از بین می‌رود.^{۶۲}

در نظریه سرکشی، پیوند اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس این نظریه، چنانچه فرد دارای پیوند اجتماعی قوی باشد حتی در صورتی که برداشت وی این باشد که مجازات‌های تحمیل شده غیرمنصفانه‌ای است نیز عکس‌العمل فرد منفی نمی‌شود. گرچه در این حالت برداشت غیرمنصفانه بودن مجازات‌ها اثر بازدارندگی را کم می‌کند؛ اما با این‌وجود سرکشی غرورآمیز شکل نمی‌گیرد.^{۶۳}

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در نظریه سرکشی، بازدارندگی تنها در حالتی بر ارتکاب جرم اثر دارد که احساس شرم در فرد ایجاد شود. به‌عبارت‌دیگر فرایند پیشگیری از جرم ناشی از بازدارندگی در افرادی که شرمسار نمی‌شوند ایجاد نمی‌شود. البته برای اینکه بازدارندگی بیشترین اثر خود را داشته باشد بایستی علاوه بر ایجاد شرمساری، فرد دارای پیوند قوی با جامعه بوده و مجازات‌ها و سایر واکنش‌های کیفری را نیز مشروع بدانند. در چنین وضعیتی انتظار می‌رود مجازات‌ها بازدارندگی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

جرم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع بشری در مرکز توجه دولت‌ها قرار دارد. تدوین نظام عدالت کیفری مناسب جهت مواجهه با مجرمان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌هاست. برای سالیان متمادی، نظریه بازدارندگی به‌عنوان مبنای بیشتر نظام‌های کیفری در نظر گرفته شده و اثرگذاری مجازات بر ارتکاب جرائم به‌عنوان یکی از اصول موضوعه آن پذیرفته شده بود.

در نظریه بازدارندگی بر این موضوع تأکید می‌شود که افراد بر اساس تحلیل هزینه فایده، همواره در حال انتخاب یک عمل از بین گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه هستند. بر اساس این نظریه، وجود انتخاب عقلایی و در نظر گرفتن منافع و هزینه‌های ناشی از رفتار مجرمانه در مقابل غیر مجرمانه سبب می‌شود که اعمال مجازات‌ها و افزایش احتمال دستگیری، هزینه‌های ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه را افزایش و خالص منفعت ناشی از آن را کاهش دهد. در نتیجه با کمتر شدن منفعت رفتار مجرمانه نسبت به رفتار غیر مجرمانه و انتخاب رفتار منطبق با قانون، ارتکاب جرائم کاهش می‌یابد.^{۶۴} استدلال مطرح شده توسط برخی

⁶¹ Hirschi, Travis. Causes of delinquency. (Transaction publishers, 2002), 14.

⁶² Bouffard, L. A., and L. W. Sherman. "Defiance theory." G., Bruinsma, D. Weisburd, (Eds.), *Encyclopedia of criminology and criminal justice* (2014): 927.

⁶³ Sherman, Lawrence W. "Defiance, deterrence, and irrelevance: A theory of the criminal sanction." *Journal of research in Crime and Delinquency* 30 (1993): 447.

⁶⁴ Stein, Janice Gross, and Ron Levi. "Testing deterrence by denial: Experimental results from criminology." *Studies in Conflict & Terrorism* 46 (2023): 115.

از جرم‌شناسان به چالش کشیده و سبب ایراد انتقاداتی به نظریه بازدارندگی شده است. منتقدان به این موضوع اشاره دارند که بازدارندگی ناشی از مجازات‌ها همواره بر جرایم اثر نداشته و حتی ممکن است موجب افزایش جرایم نیز شود. در این خصوص نظریات مختلفی مطرح شده که نظریه‌های کنش وضعیتی و سرکشی از جمله نظریاتی هستند که در چند دهه اخیر ارائه شده و نسبت به اثر بازدارندگی مجازات‌ها بر جرایم توضیحات متفاوتی بیان کرده‌اند.

نظریه کنش وضعیتی در خصوص اثر مجازات‌ها بر جرایم دیدگاه متفاوتی را نسبت به نظریه بازدارندگی مطرح کرده است. ویکستروم در این نظریه با تقسیم افراد از نظر سطح اخلاقی به سه گروه بالا، متوسط و پایین بیان می‌کند که افراد دارای سطح اخلاقی بالا به علت اینکه در ذهن خود گزینه‌های مجرمانه را در نظر نمی‌گیرند در وضعیت انتخاب بین رفتار مجرمانه و غیر مجرمانه قرار نمی‌گیرند. به همین دلیل مجازات‌ها بر آنها تأثیرگذار نیستند. افراد با سطح اخلاقی پایین نیز چون فقط هزینه‌های مجرمانه را در ذهن خود تصور می‌کنند، انتخابی بین گزینه‌های قانونی و غیرقانونی انجام نمی‌دهند و در نتیجه اعمال مجازات‌ها بر افراد دارای سطح اخلاقی پایین نیز بی‌تأثیر است.^{۶۵} بنابراین بر اساس نظریه کنش وضعیتی تنها گروهی از افراد که دارای سطح اخلاقی متوسط هستند و در ذهن خود هم‌زمان گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه را تصور می‌کنند در معرض بازدارندگی از طریق مجازات‌ها قرار می‌گیرند. در این افراد افزایش مجازات‌ها و احتمال دستگیری موجب کاهش جذابیت گزینه‌های مجرمانه شده و در نتیجه احتمال ارتکاب جرم نیز کاهش می‌یابد. نکته کلیدی آن است که در نظریه کنش وضعیتی، تحلیل هزینه فایده مبنای اثرگذاری مجازات‌ها و ایجاد بازدارندگی در افراد دارای سطح اخلاقی متوسط است؛ بنابراین گرچه در نظریه بازدارندگی نیز تحلیل هزینه فایده نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ اما در نظریه بازدارندگی تمام افراد در معرض تحلیل هزینه فایده قرار دارند حال آنکه در نظریه کنش وضعیتی فقط افراد دارای سطح اخلاقی متوسط از تحلیل هزینه فایده استفاده می‌کنند.^{۶۶}

نظریه سرکشی توسط شرم معرفتی شده است. این نظریه رویکرد متفاوتی نسبت به نظریه‌های بازدارندگی و کنش وضعیتی دارد. شرم در این نظریه بیان می‌کند که اثر واکنش کیفری و مجازات‌ها بر ارتکاب جرایم می‌تواند به سه حالت بازدارنده، ایجاد سرکشی یا بی‌تأثیر باشد. به نظر وی احساس شرم نقش کلیدی در ایجاد اثر بازدارندگی مجازات‌ها بر جرائم دارد به نحوی که در این نظریه بر خلاف نظریه بازدارندگی و کنش وضعیتی فرد از تحلیل هزینه فایده پیروی نکرده و تنها در صورتی در معرض بازدارندگی قرار می‌گیرد که در نتیجه تحمیل واکنش کیفری دچار شرمساری شود. البته علاوه بر شرمساری، کیفیت پیوند اجتماعی و مشروع دانستن عامل تحمیل واکنش کیفری نیز بر اثر بازدارندگی مؤثر است.^{۶۷} به عبارت دیگر بر اساس این نظریه، اگر فرد دچار شرمساری شود، دارای پیوند اجتماعی قوی باشد و نیز عامل تحمیل مجازات‌ها را مشروع بداند، مجازات بر وی دارای اثر بازدارندگی است. لازم به ذکر است همان‌طور که بیان شد این بازدارندگی متفاوت از نظریه بازدارندگی و کنش وضعیتی بوده و احساس شرم به جای تحلیل هزینه فایده در بازدارندگی ایفای نقش می‌کند. علاوه بر این، احساس شرم در نظریه سرکشی نقشی متفاوت از احساس شرم در نظریه کنش وضعیتی دارد. در نظریه کنش وضعیتی احساس شرم به عنوان یک کنترل درونی و از طریق ویژگی‌های فردی بر ارتکاب جرم اثر دارد؛ اما در نظریه سرکشی احساس شرم به عنوان یک متغیر میانجی برای اثرگذاری مجازات‌ها بر ارتکاب جرائم عمل می‌کند. همچنین در نظریه سرکشی اگر احساس شرمساری ایجاد نشود، پیوندهای اجتماعی نیز ضعیف بوده و برداشت فرد مبنی بر این باشد که رفتار غیرمنصفانه‌ای از تحمیل واکنش کیفری بر او تحمیل شده است اعمال مجازات‌ها نه تنها موجب کاهش جرم می‌شود؛ بلکه منجر به سرکشی و افزایش جرم نیز می‌شود.^{۶۸}

⁶⁵ Wikström, Per-Olof H. "Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes." *Handbook on crime and deviance* (2019): 261.

⁶⁶ Wikström, Per-Olof H. "Why crime happens: A situational action theory." *Analytical sociology* (2014): 91.

⁶⁷ Sherman, Lawrence W. "Defiance, deterrence, and irrelevance: A theory of the criminal sanction." *Journal of research in Crime and Delinquency* 30 (1993): 445.

⁶⁸ Bouffard, L. A., and L. W. Sherman. "Defiance theory." G., Bruinsma, D. Weisburd, (Eds.), *Encyclopedia of criminology and criminal justice* (2014): 929.

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت اولاً در نظریه بازدارندگی و کنش وضعیتی مسیر اثرگذاری مجازات‌ها از طریق تحلیل هزینه – فایده است و چنانچه مجازات‌ها سبب کمترشدن خالص منفعت ارتکاب جرم نسبت به رفتار قانونی شود، افراد مرتکب رفتار مجرمانه نمی‌شوند؛ اما در نظریه سرکشی مسیر اثرگذاری مجازات‌ها از طریق شرمساری است به نحوی که اگر افراد در نتیجه تحمیل واکنش کیفری و مجازات دچار شرمساری شوند و دارای پیوند قوی اجتماعی بوده و همچنین از رفتار عامل تحمیل مجازات‌ها برداشت منصفانه داشته باشند، از ارتکاب جرم خودداری می‌کنند. ثانیاً در نظریه بازدارندگی تمام افراد در حال انتخاب بین گزینه مجرمانه و غیر مجرمانه هستند و بنابراین در معرض اثر بازدارندگی قرار دارند، حال آنکه در نظریه کنش وضعیتی فقط افراد دارای سطح اخلاقی متوسط در ذهن خود و به طور هم‌زمان گزینه‌های مجرمانه و غیر مجرمانه را تصور می‌کنند، بنابراین فقط این گروه از افراد در معرض اثر بازدارندگی هستند. همچنین در نظریه سرکشی نیز تنها افرادی که دچار شرمساری شوند می‌توانند در معرض اثر بازدارندگی قرار گیرند. ثالثاً در نظریه بازدارندگی، مجازات‌ها بر ارتکاب جرایم همه افراد اثرگذار است. در نظریه کنش وضعیتی مجازات‌ها بر جرایم یا اثر بازدارندگی دارند و یا بی‌تأثیرند اما در نظریه سرکشی علاوه بر بازدارندگی و بی‌تأثیربودن، حالت سومی نیز وجود دارد که مجازات‌ها موجب افزایش ارتکاب جرایم می‌شوند که این حالت سرکشی نامیده می‌شود.

منابع فارسی

- پاک‌نهاد، امیر. *دانشنامه جرم‌شناسی نظری*. ویرایش اول. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.
- طویلی، مهدی، مهدی شیداییان، سید محمود میرخلیلی و شهرداد دارابی. «تحلیل نسبت مصلحت‌سنجی تعقیب کیفری با نظم عمومی و امنیت اجتماعی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران* ۱۰ (۱۴۰۰): ۷۹-۱۱۶.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. *تقریرات درس جرم‌شناسی (جرم‌شناسی تجربی)*، بی‌نا، ۱۳۷۲.

منابع انگلیسی

- Apel, Robert. "Sanctions, perceptions, and crime: Implications for criminal deterrence." *Journal of quantitative criminology* 29 (2013): 67-101.
- Baharom, A. H., and Muzafar Shah Habibullah. "Crime and income inequality: The case of Malaysia." *Journal of Politics and Law* 2 (2009): 55-70.
- Bates, Lyndel, and Levi Anderson. "Young drivers, deterrence theory, and punishment avoidance: a qualitative exploration." *Policing: A Journal of Policy and Practice* 15 (2021): 784-797.
- Becker, Gary S. "Crime and punishment: An economic approach." *Journal of political economy* 76 (1968): 169-217.
- Bouffard, L. A., and L. W. Sherman. "Defiance theory." G., Bruinsma, D. Weisburd, (Eds.), *Encyclopedia of criminology and criminal justice* (2014): 925-932.
- Brame, Robert, and Ray Paternoster. "Defiance theory." *The Encyclopedia of Theoretical Criminology* (2014): 1-5.
- Broekhof, Evelien, Marieke GN Bos, and Carolien Rieffe. "The roles of shame and guilt in the development of aggression in adolescents with and without hearing loss." *Research on child and adolescent psychopathology* 49 (2021): 891-904.
- Brownfield, David. "A defiance theory of sanctions and gang membership." *Journal of Gang Research* 13 (2005): 31-43.
- Bruinsma, Gerben, and David Weisburd. *Encyclopedia of criminology and criminal justice*. Springer Reference, 2014.
- Cochran, John K. "Moral propensity, setting, and choice: A partial test of situational action theory." *Deviant Behavior* 37 (2016): 811-823.
- Cohen, Alma, and Crystal S. Yang. "Judicial politics and sentencing decisions." *American Economic Journal: Economic Policy* 11 (2019): 160-91.
- Daniels, Michael A., and Sandra L. Robinson. "The shame of it all: A review of shame in organizational life." *Journal of Management* 45 (2019): 2448-2473.

- Detotto, Claudio, and Manuela Pulina. "Assessing substitution and complementary effects amongst crime typologies." *European journal on criminal policy and research* 19 (2013): 309-332.
- Flores-Macías, Gustavo, and Mariano Sánchez-Talanquer. "Building the modern state in developing countries: Perceptions of public safety and (un) willingness to pay taxes in Mexico." *Politics & Society* 48 (2020): 423-451.
- Friesen, Lana. "Certainty of punishment versus severity of punishment: An experimental investigation." *Southern Economic Journal* 79 (2012): 399-421.
- Garner, Joel H., Christopher D. Maxwell, and Jina Lee. "The specific deterrent effects of criminal sanctions for intimate partner violence: A meta-analysis." *J. Crim. L. & Criminology* 111 (2021): 227-271.
- Gecas, Viktor. "Contexts of socialization." In *Social psychology*, Routledge, 2017.
- Gibbs, Jack P. "Crime, punishment, and deterrence." *The Southwestern Social Science Quarterly* (1968): 515-530.
- Grusec, Joan E. "Socialization processes in the family: Social and emotional development." *Annual review of psychology* 62 (2011): 243-269.
- Gul, Serdar. "An evaluation of rational choice theory in criminology." *Girne American University Journal of Sociology and Applied Science* 4 (2009): 36-44.
- Harris, Nathan. "Shame, ethical identity and conforamity: Lessons from research on the psychology of social influence." In *Emotions, crime and justice*. Hart Publishing, 2011.
- Hillebrandt, Annika, and Laurie J. Barclay. "How cheating undermines the perceived value of justice in the workplace: The mediating effect of shame." *Journal of Applied Psychology* 105 (2020): 1164–1180.
- Hirschi, Travis. *Causes of delinquency*. Transaction publishers, 2002.
- Huang, Ru, and Nan Liang. "The influence of familiarity with Information Technology on the effects of deterrence." *Current Psychology* (2022): 1-14.
- Jacob, Anupama. "Economic theories of crime and delinquency." *Journal of Human Behavior in the Social Environment* 21 (2011): 270-283.
- Jacques, Scott. "Bentham, Not Epicurus: The Relevance of Pleasure to Studies of Drug-Involved Pain." *Journal of Drug Issues* 49 (2019): 118-138.
- Klein, Jennifer L., Danielle Tolson, and Cathy Collins. "Lamenting the list: A partial test of Sherman's defiance theory as applied to female sex offenders." *Contemporary Justice Review* 17 (2014): 326-345.
- Ladegaard, Isak. "We know where you are, what you are doing and we will catch you: Testing deterrence theory in digital drug markets." *The British Journal of Criminology* 58 (2018): 414-433.
- Maddox, Samuel J., and Ronald J. Prinz. "School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables." *Clinical child and family psychology review* 6 (2003): 31-49.

- Megens, Kim CIM, and Frank M. Weerman. "The social transmission of delinquency: Effects of peer attitudes and behavior revisited." *Journal of Research in Crime and Delinquency* 49 (2012): 420-443.
- Mendes, Silvia M. "Certainty, severity, and their relative deterrent effects: Questioning the implications of the role of risk in criminal deterrence policy." *Policy Studies Journal* 32 (2004): 59-74.
- Perry, Gali, Per-Olof H. Wikström, and Gabriela D. Roman. "Differentiating right-wing extremism from potential for violent extremism: The role of criminogenic exposure." *International journal of developmental science* 12 (2018): 103-113.
- Pesta, Racheal. "School punishment, deterrence, and race: A partial test of defiance theory." *Crime & Delinquency* 68 (2022): 463-494.
- Quackenbush, Stephen L. "Deterrence theory: where do we stand?." *Review of International Studies* 37 (2011): 741-762.
- Robinson, Paul H. "The role of deterrence in the formulation of criminal law rules: At its worst when doing its best." *Geo. LJ* 91 (2002): 949-1002.
- Romero, Angel David Ramirez, Héctor Daniel Martínez Duarte, and Jennifer Katherine Rincón Amaya. "Police and judicial efficiency in Colombia." *Panorama Económico* 29 (2021): 206-223.
- Sheikh, Sana, and Ronnie Janoff-Bulman. "The "shoulds" and "should nots" of moral emotions: A self-regulatory perspective on shame and guilt." *Personality and Social Psychology Bulletin* 36 (2010): 213-224.
- Sherman, Lawrence W. "Defiance theory." *Criminological Theory: Past to Present: Essential Readings* (2003): 286-293.
- Sherman, Lawrence W. "Defiance, compliance and consilience: A general theory of criminology." *The SAGE handbook of criminological theory* (2010): 360-390.
- Sherman, Lawrence W. "Defiance, deterrence, and irrelevance: A theory of the criminal sanction." *Journal of research in Crime and Delinquency* 30 (1993): 445-473.
- Stafford, Mark C., and Mark Warr. "A reconceptualization of general and specific deterrence." *Journal of research in crime and delinquency* 30 (1993): 123-135.
- Stein, Janice Gross, and Ron Levi. "Testing deterrence by denial: Experimental results from criminology." *Studies in Conflict & Terrorism* 46 (2023): 101-121.
- Sugarman, David. "Hart interviewed: HLA Hart in conversation with David Sugarman." *Journal of Law and Society* 32 (2005): 267-293.
- Taylor, Ian. "The political economy of crime." *Crime, Inequality and the State* (2020): 353-365.
- Van Doormaal, Nick, Stijn Ruiter, and Andrew M. Lemieux. "Corruption and the shadow of the future: A generalization of an ABM with repeated interactions." *In Agent-Based Modelling for Criminological Theory Testing and Development* (2020): 167-186.
- Wan, Wai-Yen, Steve Moffatt, Craig Jones, and Don Weatherburn. "Effect of Arrest and Imprisonment on Crime." *Bulletin of Crime and Justice* 1 (2012): 1-19.

- Wikström, Per-Olaf H., Kyle Treiber, and Beth Hardie. "Examining the role of the environment in crime causation: Small-area community surveys and space-time budgets." *The SAGE handbook of criminological research methods* (2012): 111-127.
- Wikström, Per-Olof H. "Explaining crime and criminal careers: The DEA model of situational action theory." *Journal of Developmental and Life-Course Criminology* 6 (2020): 188-203.
- Wikström, Per-Olof H. "Explaining crime as moral actions." *Handbook of the Sociology of Morality* (2010): 211-239.
- Wikström, Per-Olof H. "Individuals, settings, and acts of crime: Situational mechanisms and the explanation of crime." *The explanation of crime: Context, mechanisms and development* (2006): 61-107.
- Wikström, Per-Olof H. "Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes." *Handbook on crime and deviance* (2019): 259-281.
- Wikström, Per-Olof H. "Why crime happens: A situational action theory." *Analytical sociology* (2014): 71-94.
- Wikström, Per-Olof H., and Clemens Kroneberg. "Analytic criminology: Mechanisms and methods in the explanation of crime and its causes." *Annual Review of Criminology* 5 (2022): 179-203.
- Wikström, Per-Olof H., and Noémie Bouhana. "Analyzing radicalization and terrorism: A situational action theory." *The handbook of the criminology of terrorism* (2016): 175-186.
- Wikström, Per-Olof H., and Robert Svensson. "When does self-control matter? The interaction between morality and self-control in crime causation." *European Journal of Criminology* 7 (2010): 395-410.
- Wikström, Per-Olof H., Dietrich Oberwittler, Kyle Treiber, and Beth Hardie. *Breaking rules: The social and situational dynamics of young people's urban crime*. OUP Oxford, 2012.
- Wikström, Per-Olof, and Kyle Treiber. "The Dynamics of Change." *In The Oxford handbook of developmental and life-course criminology*. 2019.
- Witt, R., and A. D. Witte. "Crime Causation: Economic Theories." *In Encyclopedia of Crime and Justice* 1, (2002): 302-306.
- Zimring, Franklin E., Gordon Hawkins, and James Vorenberg. "Deterrence: The legal threat in crime control." (1973): 345-369.

The Effect of Deterrence in The Theories of Situational Action and Defiance and Comparing It with The Theory of Deterrence

Abstract

A criminology literature in recent decades shows that some accepted concepts in criminology have faced extensive theoretical and conceptual changes. Deterrence is one of the most important concepts that has been placed in the evolution of criminology concepts and various theories in criminology have been formed around it. In this research, using the library-analytical method, deterrence in the theory of situational action and defiance has been discussed and compared with the theory of deterrence. The findings of the research showed that although in the theory of deterrence, all people are always choosing between criminal and non-criminal options and are therefore subject to the effect of deterrence, but in the theory of situational action, only people who have an average moral level use cost-benefit analysis and therefore they are subject to deterrence. In the theory of defiance, unlike the theories of deterrence and situational action, the mechanism of deterrence affects people through shame. Therefore, punishment can only have a deterrent effect if the person is embarrassed as a result of the criminal reaction. Of course, in the theory of defiance, in addition to shame, the existence of strong social ties and the legitimacy of the factor imposing a criminal reaction are also effective on deterrence. In the end, it can be said that the theories of situational action and defiance have rejected the generality of the deterrent effect on all people. Also, in the theory of defiance, shame has been introduced as the basis of deterrence instead of cost-benefit analysis.

key words:

Situational action theory, Defiance theory, Deterrence theory, Punishment